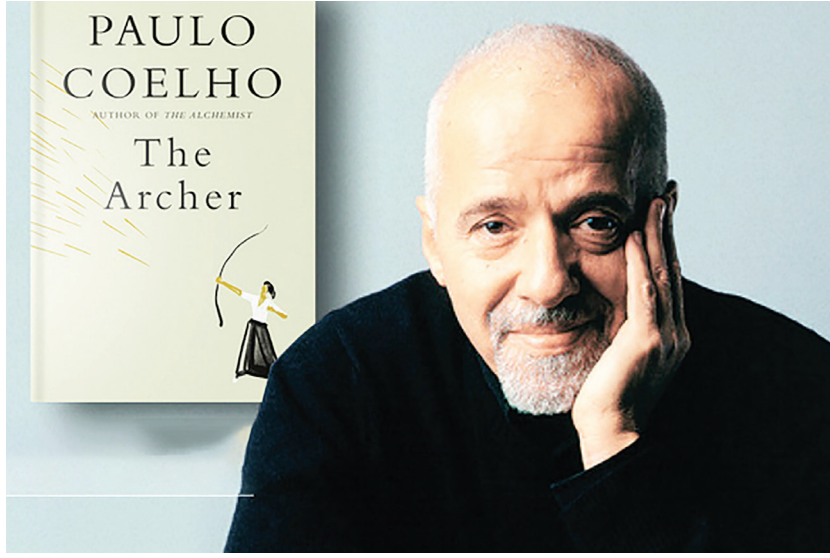


پائولو کوئیلو؛ نویسنده نامدار جهان :



اهل نشستن و مراقبه در سکوت نیستم؛ کیمیاگر را دو هفته‌ای نوشتم

«پائولو کوئیلو» از معروفترین نویسندگان دنیاست که آثارش بالغ بر ۳۲۰ میلیون نسخه تا امروز فروخته شده و به ۱۵۰ زبان از جمله فارسی ترجمه شده است. آخرین کتاب او «کمانگیر» تمثیل جوانی است که به دنبال به دست آوردن حکمت و خرد از یک استاد به دنبال او می‌رود و در این راه علوم بسیاری می‌آموزد.

و تفکر برای من است. تیراندازی با کمان راهپیمایی، فعالیت‌های فیزیکی، من نمی‌توانم یکجا بنشینم و به گذشته فکر کنم، من نیاز به تحرک و فعالیت دارم. **خانم وثیق، چه شد که به سراغ «کماندار» رفتید و این رمان را ترجمه کردید؟**
در کتاب‌های آقای کوئیلو همیشه نشانه‌ای وجود دارد که خواننده را به سمت هدف ترغیب می‌کند. در کتاب «کماندار» این نشانه‌ها خیلی مشهودتر و این ترغیب خیلی قوی‌تر وجود دارد. با توجه به اینکه در دنیا ایران شرایط خاصی دارد و مردم متحمل شرایط بسیار سختی هستند، این کتاب دقیقاً نشانه‌ای است برای اینکه بتوانیم از این گذار، گذر کنیم و در مسیر موفقیت قرار بگیریم. در این کتاب آیین زندگی موفق و در مسیر درست قرار گرفتن را برای خواننده تشریح می‌کند و این احساس نیاز من را بر آن داشت که کتاب «کماندار» را ترجمه کنم.

پیش از این، چه کارهایی از پائولو کوئیلو را خوانده بودید؟
تقریباً تمامی کتاب‌های ایشان را خوانده‌ام، اما بعضی از آنها برایم جذابیت خاصی داشته، مثل «کیمیاگر»، «اورونیکانصمیم می‌گیرد بمیرد»، «کسارود پیدرا نشستم و گریستم» و «هیبی».

چه چیزی در آثار کوئیلو شما را جذب می‌کند؟
در تمام آثار آقای کوئیلو نشانه‌ای از نشانه‌های زندگی دیده می‌شود که انسان را در مسیر موفقیت و رسیدن به اهداف و آرزوهای قرار می‌دهد. قوانین زندگی را آموزش می‌دهد، به انسان یادآوری می‌کند که زندگی محدود اما عمیق است.

چند کتابی در «کماندار» برای شما به عنوان مترجم جذاب بود؟
آن چیزی که در «کماندار» بسیار جذاب و حائز اهمیت است باز کردن لایه‌های پنهانی و عمیق زندگی است. در «کماندار» آقای کوئیلو از نشانه‌های زندگی سخن می‌گوید و یادآوری می‌کند که تمام زندگی تحت الشعاع همان قسمت از زندگی است که شما آن را نمی‌بینید. اما عملکرد شما آن قسمت‌های پنهانی را می‌سازد و در



www.ttgroup.ir | 021-8586 | ttgroup.ir

© 2021 TOPTOURS Group

گروه فرهنگ و هنر - پل بوگاردز، معاون اجرایی انتشارات نایف ناشر کتاب، «کماندار» را این گونه توصیف می‌کند: «کتابی بی نقص، کتابی درباره تسلیم نشدن، کتابی از اعماق قلب انسان.»
آنچه می‌خوانید ابتدا گفتگویی با پائولو کوئیلو درباره رمان کوتاه «کماندار» است که با عنوان «کمان کماندار، زندگی است» توسط «سیحان وثیق» به فارسی ترجمه و از سوی نشر شش‌سوراقرین منتشر شده، در ادامه نیز گفتگویی با مترجم فارسی را می‌خوانید که از چرایی ترجمه این کتاب و پرسش‌هایی پیرامون داستان و نسخه صوتی کتاب می‌گوید.

آقای کوئیلو، این کتاب چگونه متولد شد؟
خب، حدود بیست‌سال من تیراندازی با کمان می‌کردم. آن زمان در کوهستان‌های پیرینه ساکن بودم و حسی فوق‌العاده بود. کافی‌ست یک بار امتحان کنید، درگیر آن خواهید شد. روزی در جایی که نمی‌شناختم گیر کرده بودم و داشتم به دنبال راه درستی می‌گشتم که دست بر قضا در آن مسیر نبروهای فرانسه مستقر بودند. و من تنها با کمانی در دست که برآیم همه چیز بود. با خودم گفتم خدایا بوی دردمر می‌آید. مجوز داشتم. من مجبور شکار داشتم ولی اهل شکار نبودم. و انمود کردم که کسی را نمی‌بینم و به راهم ادامه دادم. بین همه سربازها و انمود کردم که تنها، از مکان اردوگاه آنها دور شدم. ناگهان یک ستوان جلوی من سبز شد. دیدم که به سمت من آید و در دلم گفتم که حتماً توی دردمر می‌افتم. من خارج‌ام و اسلحه دارم. چون کمان اسلحه محسوب می‌شود پس حتماً توی دردمر می‌افتم. بلاخره آن ستوان به من رسیدی و گفت: تو پائولو کوئیلو هستی؟ گفتم

بله، خودم. گفت وای خدایا من عاشق کتاب‌های شما هستم. و گفت شما تیراندازی با کمان می‌کنید؟ چون خودش قبلاً این ورزش را انجام می‌داده است. می‌دانید، هر روز پنج یا شش پیشنهاد نوشتن کتاب به من می‌شود. اما در این مورد احساس فوریت در نوشتن کتاب کردم. درباره چیزی که آموختم و حدود دهمه بعد کتاب را

با محوریت ردیف میرزا عبدالله؛ تازه‌ترین آلبوم نوازنده کمانچه منتشر شد



اجرا و دیگر مشخصات و پارامترهای اجرایی این آساند، نشان از چند وجهی بودن برخوردار با یک پدیده به ظاهر ثابت چون ردیف است. می‌توان نتیجه گرفت هنر جوی موسیقی (هنر جوی تار و سه تار) با شنیدن و بررسی هر یک از این اجراهای ارزشمند، دستاوردی نوچه از اجرا و چه از نحوه نگاه ایشان به موضوع ردیف به دست می‌آورد.

متأسفانه به دلایل مختلفی این جریان فکری (نظری) و اجرایی (عملی) در سبک کمانچه مغفول مانده است. دیدگاه‌های مطرح و رایج در سبک کمانچه یادرف نواخته اند به منظور نشر و باجراهایی ناقص در حد ضبط و آموزش در کلاسهای درسی بوده است. (این عامل و دیگر عواملی که توضیح خواهم داد باعث کم رنگ شدن نقش آموزش ردیف میرزا عبدالله در سبک کمانچه شده است).

عناوین آموزش ردیف میرزا عبدالله به اساس آن یک ردیف معتبرسازی برای سبک کمانچه چیست؟ از دیدگاه نگارنده، هنر جوی کمانچه پس از یادگیری تکنیک‌های نوازندگی ابتدای ردیف آوازی بیاموزد. از آنجایی که صدای سازهایی چون کمانچه و نی در موسیقی ایرانی شباهت زیادی به حنجره انسان دارد و همچنین قابلیت انطباق پذیری تکنیک‌های آوازی با تکنیک‌های نوازندگی این دو ساز، اولویت آموزش «ردیف آوازی» بر «ردیف سازی» را برای این دو ساز (کششی) که چندان بی‌گفتنی است.

ردیف‌های آوازی چون ردیف عبدالله خان داومی و استاد کریمی علاوه بر ارزشمندی سامخار موسیقی که دارند، چون با شعر آمیخته شده‌اند به لحاظ یادگیری مفهوم جمله و با عبارت موسیقی در موسیقی دستگاهی دارای کارکردی شگرف برای هنر جوی است. ضمن اینکه نت نویسی دقیق استاد فرامرز پایور در ردیف عبدالله خان داومی برای نسلی که نمونه صوتی این آثار را شنیده‌اند این امکان را فراهم می‌کند تا حد زیادی به اصل این ردیف نزدیک شده و آن را فرابگیرند.

لازم به ذکر است استاد پایور در نت نویسی و فساد در اصل اجرای جناب داومی بوده و هر آنچه بوده ثابت کرده‌اند. تقسیم بندی و آنالیز جملات موسیقی در عبارات ردیفی آوازی و سازی تفاوت‌های اساسی دارند.

هنر جوی کمانچه جملات آوازی را به کمک شعر بهتر درک می‌کند و در شروع فهم درست تری از کرامت موسیقی خواهد داشت. به همین دلیل توصیه می‌شود ابتدا ردیف آوازی آموزش داده شود. سپس به آموزش ردیف سازی پرداخته شود.

ردیف جانمای موسیقی دستگاهی ایرانی است، پس در دوره تاریخی باید این دستاورد ارزشمند را پاس داشت. این میراث ارزشمند در چهار دهه گذشته توسط استاد تار و سه تار چون استاد ابوش طالی استاد حسین علیزاده و استاد محمد ضابطی (الته استاذ لاطعی بخشی از ردیف میرزا عبدالله را به صورت رسمی ضبط کرده و نیز تمامش را) ضبط و منتشر شده است که تفاوت در دیدگاه، سونوریتی، متر

ردیف جانمای موسیقی دستگاهی ایرانی است، پس در دوره تاریخی باید این دستاورد ارزشمند را پاس داشت. این میراث ارزشمند در چهار دهه گذشته توسط استاد تار و سه تار چون استاد ابوش طالی استاد حسین علیزاده و استاد محمد ضابطی (الته استاذ لاطعی بخشی از ردیف میرزا عبدالله را به صورت رسمی ضبط کرده و نیز تمامش را) ضبط و منتشر شده است که تفاوت در دیدگاه، سونوریتی، متر

داستان زبیا و خوانندگی چارلز دیکنز درباری سال‌ها جریان‌های منتهی به انقلاب فرانسه است. داستان او شهر، به طبقه‌ای شرفیابان در فرانسه است. داستان او شهر با فروش دو بیست میلیون نسخه، توانست به یکی از محبوب‌ترین و ماندگارترین کتاب‌های ادبیات دنیای تبدیل شود. این اثر را می‌توانید ترجمه بهارک قهرمان درباری کتاب: داستان دو شهر، در دو شهر لندن و پاریس و در دوران قبل از انقلاب فرانسه، اتفاق می‌افتد. لوسی، دختر جوانی است که از پدرش دور افتاده است. پدر او هجده سال است که در زندان است و یکی از دوستان او، پدر جارویس لری که کارمند بانک است، از لوسی مراقبت می‌کند و راز زنده بودن پدرش را برای او فاش می‌کند. لوسی همراه او به دیدن پدرش می‌رود و پدرش را در شرایطی اسفناک در یک اتاق زیر شیروانی پیدا می‌کند. آنها با هم به انگلستان می‌روند. در طول داستان، لوسی و پدرش با یک زندانی دیگر آشنا می‌شوند. چارلز دارنی، یکی از اشراف سابق فرانسوی که علی‌رغم ذات خویش، قربانی هیجانات ضد بیعت انقلاب می‌شود. دیدار لوسی و چارلز اتفاقات بعدی داستان را رقم می‌زند و...

داستان دو شهر، در ابتدا به صورت هفتگی و در قالب چند کتاب منتشر شد. اما با فروش دو بیست میلیون نسخه توانست هم ردیف ششده کوچولو قرار بگیرد. کتاب داستان دو شهر به عنوان پرفروش‌ترین کتاب‌های تک‌جلدی در دنیای شناخته می‌شود. **درباری چارلز دیکنز** کتاب‌های مشهور و نیکلاس نیکیلی، «شروع کرد بسیار شسته»

معرفی کتاب

داستان دو شهر

نویسنده: چارلز دیکنز
مترجم: بهارک قهرمان
نشر دادجو

گروه فرهنگ و هنر - داستان دو شهر، داستان زبیا و خوانندگی چارلز دیکنز درباری سال‌ها جریان‌های منتهی به انقلاب فرانسه است. داستان او شهر، به طبقه‌ای شرفیابان در فرانسه است. داستان او شهر با فروش دو بیست میلیون نسخه، توانست به یکی از محبوب‌ترین و ماندگارترین کتاب‌های ادبیات دنیای تبدیل شود. این اثر را می‌توانید ترجمه بهارک قهرمان درباری کتاب: داستان دو شهر، در دو شهر لندن و پاریس و در دوران قبل از انقلاب فرانسه، اتفاق می‌افتد. لوسی، دختر جوانی است که از پدرش دور افتاده است. پدر او هجده سال است که در زندان است و یکی از دوستان او، پدر جارویس لری که کارمند بانک است، از لوسی مراقبت می‌کند و راز زنده بودن پدرش را برای او فاش می‌کند. لوسی همراه او به دیدن پدرش می‌رود و پدرش را در شرایطی اسفناک در یک اتاق زیر شیروانی پیدا می‌کند. آنها با هم به انگلستان می‌روند. در طول داستان، لوسی و پدرش با یک زندانی دیگر آشنا می‌شوند. چارلز دارنی، یکی از اشراف سابق فرانسوی که علی‌رغم ذات خویش، قربانی هیجانات ضد بیعت انقلاب می‌شود. دیدار لوسی و چارلز اتفاقات بعدی داستان را رقم می‌زند و...

معرفی کتاب

غرور و تعصب

نویسنده: جین اوستین
مترجم: بهارک قهرمان
نشر دادجو

گروه فرهنگ و هنر - غرور و تعصب، محبوب‌ترین کتاب جین اوستین در تمام دنیا است. داستانی از عشق و دو خواهر و دو مرد جوان که با هم می‌بخشند به غرور و تعصب و عشق سخت می‌کند. نسخه‌ی خلاصه‌ی کتاب غرور و تعصب با ترجمه بهارک قهرمان، کتابی جذاب برای خواندن و غرق در لذت شدن است. **درباره‌ی کتاب:** داستان غرور و تعصب درباره‌ی عشقی است که بین الیزابت بنت عاقل و آقای داری می‌گذرد. «امیدوارم اتاق‌ها برای بانوی جوانی که ممکنه امروز بیاید آماده باشه. ممکنه اون دنبال آقای جارویس لوری یا نجیب زاده‌ای از بانک تلساز بگره. «بله آقای بانک تلساز در لندن آقا؟» آقای لوری تایید کرد: «بله» روز به تاریکی گراییده بود. پیشخدمت آمد و اعلام کرد که دو شویزه مانه از لندن رسیده‌ست. پیشخدمت گفت که شویزه از دیدن آقای لوری خوشحال خواهند شد. نجیب زاده کلاه کیشش را مرتب کرد و دنبال پیشخدمت رفت. آقای لوری بانوی جوانی را که بیش از هفده سال نداشت، دید. او کنار میز ایستاده بود. چشمان آقای لوری به موهای بلوند چشمان آبی و هیکل کشیده و زیبای او خیره شد. برای دو شویزه مانه تعظیمی رسمی کرد. «لطفاً بشینید اینجا آقای خانم مانه صدایی شفاف، گوش نواز با کمی لهجه‌ی خارجی داشت. آقای لوری دوباره تعظیم کرد و نشست. «دیروز نامه‌ای از بانک دریافت کردم و به من اطلاع دادن کشفیاتی درباره‌ی پدر بیچاره‌م که مدت هاست مرده، صورت گرفته. بانک به من گفت شما جزئیات رو برام توضیح می‌دید و منو آماده می‌کنید تا با ماهیت شگفتی آورون مواجه شم. مسلمه مشتاقه پادشاهی هستن. «شروع کرد بسیار شسته» از جین اوستین شنش رمان باقی مانده است

معرفی کتاب

غرور و تعصب

نویسنده: جین اوستین
مترجم: بهارک قهرمان
نشر دادجو

گروه فرهنگ و هنر - غرور و تعصب، محبوب‌ترین کتاب جین اوستین در تمام دنیا است. داستانی از عشق و دو خواهر و دو مرد جوان که با هم می‌بخشند به غرور و تعصب و عشق سخت می‌کند. نسخه‌ی خلاصه‌ی کتاب غرور و تعصب با ترجمه بهارک قهرمان، کتابی جذاب برای خواندن و غرق در لذت شدن است. **درباره‌ی کتاب:** داستان غرور و تعصب درباره‌ی عشقی است که بین الیزابت بنت عاقل و آقای داری می‌گذرد. «امیدوارم اتاق‌ها برای بانوی جوانی که ممکنه امروز بیاید آماده باشه. ممکنه اون دنبال آقای جارویس لوری یا نجیب زاده‌ای از بانک تلساز بگره. «بله آقای بانک تلساز در لندن آقا؟» آقای لوری تایید کرد: «بله» روز به تاریکی گراییده بود. پیشخدمت آمد و اعلام کرد که دو شویزه مانه از لندن رسیده‌ست. پیشخدمت گفت که شویزه از دیدن آقای لوری خوشحال خواهند شد. نجیب زاده کلاه کیشش را مرتب کرد و دنبال پیشخدمت رفت. آقای لوری بانوی جوانی را که بیش از هفده سال نداشت، دید. او کنار میز ایستاده بود. چشمان آقای لوری به موهای بلوند چشمان آبی و هیکل کشیده و زیبای او خیره شد. برای دو شویزه مانه تعظیمی رسمی کرد. «لطفاً بشینید اینجا آقای خانم مانه صدایی شفاف، گوش نواز با کمی لهجه‌ی خارجی داشت. آقای لوری دوباره تعظیم کرد و نشست. «دیروز نامه‌ای از بانک دریافت کردم و به من اطلاع دادن کشفیاتی درباره‌ی پدر بیچاره‌م که مدت هاست مرده، صورت گرفته. بانک به من گفت شما جزئیات رو برام توضیح می‌دید و منو آماده می‌کنید تا با ماهیت شگفتی آورون مواجه شم. مسلمه مشتاقه پادشاهی هستن. «شروع کرد بسیار شسته» از جین اوستین شنش رمان باقی مانده است

گروه هتل‌های تاپ تورز

این حقیقی مرسوم در سراسر جهان است. مرد مجردی که پول پوله کافی دارد، فقط یک همسر کم دارد. در دهکده‌ی لانگنیر از راه رسیدن مردی پولدار در همسایگی، هیجان‌انگیز زندگی را بیش از اندازه کرد. هیجان در هیچ کجا به شوهرش گفت: «تو باید برای ملاقات با آقای بینگیلی، به ندر فیلد پارک بری. اون باید با یکی از دخترهای ما ازدواج کنه.» «اون به این دلیل به اینجا آمده؟» همسرش گفت: «احتمالاً نباش؛ ولی اون بدون شک عاشق یکی از اون‌ها می‌شه.» شوهرش گفت: «شاید بهتر باشه تو با تمام دخترها به ملاقاتش بری. من همراه شما به یادداشت می‌فرستم و بهش اجازه می‌دم تا با هر کدام از شما که خواست، ازدواج کنه» فکر ازدواج برای خانم بنت با داشتن پنج دختر دم‌بخت بسیار دشوار بود. املاک لانگنیر را تنها می‌شد از یک مرد به دیگر منتقل کرد. از آنجا که آقای بنت پسر نداشت، وقتی می‌مرد، خانه‌ی او را مأمیه یکی از اقوام دور می‌رسید. تنها امید خانم بنت این بود که در سریع‌ترین زمان بنت دخترانش را به نجیب زاده‌های اصیل شوهر دهد.

تولید و توزیع آب معدنی در سراسر جزیره، تحویل در محل

۴۴۴۷۳۴۲۲ - ۴۴۴۷۳۴۲۱

کیش نوش

www.kishwater.com